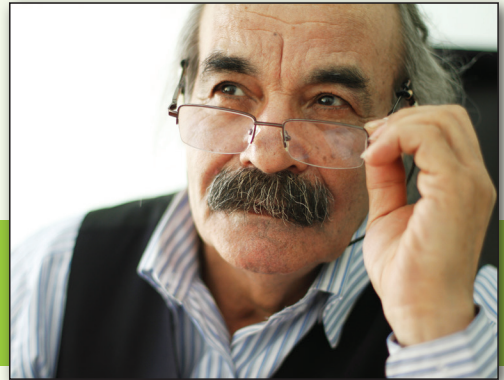


## چو دخلت بود نوزده خرج بیست



### مانیز هم به شعبده دستی بر آوریم

### چون صوفیان به حالت رقصند مقتدا

نشده که نشده. به یاد مرحوم ماشالله خان اتوبوس دارافتادم که می گفت این اتول و اینم راه، خدا به داد مسافر همراه برسد.

ما که با پول عیدی و لطف حضرت رییس به سفر رفتیم ولی آنانکه از عرق جبین و کد یمین نان از عمل خویش خوردند کجا داندند حال ما سبک بالان ساحل‌ها. غرض راهی که طی کردیم همان راه چهل سال پیش با این تفاوت که وفوری بود از چاله و چوله و حضور رشک برانگیز اتولهای آخرین سیستم از بنز و بی ام و گرفته تا پروشه و تویوتا و خیلی هم از آن ماشین‌های آخرین سیستم نو و تازه از کاغذکادو بیرون کشیده ی پلاک موقت که نامش را هم نمیدانیم و قس علی‌هذا.

جانم به شما بگه که اتول سوارهای این جاده امام زاده هاشم به اولین شهرکه رسیدند لازم و واجب است به مغازه های ردیف منتظر مشتری وارد شوند و فرمان و رینگ لاستیک را زین راه، از جا بیرون شده تیمار کنند. جانم به شما بگه از امامزاده هاشم که به طرف مازندران حرکت می کنی تا به اولین شهر و دومی و سومی و چهارمی از جنگل خبری نیست و اگر شما نیاز به یک چیلیکه داشته باشی تا به چشمت فروکنی حرمت باد.

به فکر می روم چه شد آن جنگل زیبا، آن سبزکوه، آن دره خرم، چه شد آن درختان سر به فلک کشیده؟ چه کردیم و چه ها شد؟ چشم را می گردانم در سواحل دریا آنچه می بینم برج باروی مسکونی متری ۳ میلیون و نیمی است تا بخری و به دریایی نگاه کنی که چند ماهیگیر با تور و قلاب در به در بدنبال ماهی روزی اند و در ساحل اتولهای رنگارنگ است و در پلاژ زنان و مردان با پوششهای تنگ تنگ در روی خاک نمناک پرگل و سنگ. غم دردل می نشیند که نسل ما با این طبیعت چه کرده؟ جنگل شمال دیگر جنگل نیست چه در گیلان چه در مازندران چه در گرگان و چه در..... فقط و فقط مانده یک تپه سبز در حوالی رامسر و دیگر هیچ. از خود چندین و چندین باره به پرسیم به راستی چه کرده ایم؟ جنگل از بیخ و بن کندهیم که برج بارو بسازیم و چندرغازی به جیب گشاد بریزیم، اتول مدل سال سوار شدیم و در این جاده پر دست انداز برانیم و به عالم آدم فخر بفروشیم، گندم از آمریکا بخریم تا نان داشته باشیم گوشت از برزیل می اوریم تا کباب بپزیم سبب و پرتقال از لبنان و مصر وارد می کنیم و برنج از هند، کت و شلوار از ترکیه و کفش و کلاه از ایتالیا، بلغور و پتو و تشک از چین و لباس رو از کره و لباس زیر از پاریس. انواع نژاد سگ از آلمان و اتریش و تریاک از افغانستان، توتون قلیان از پاکستان و دارو و درمان هم از سوئیس و دانمارک. هنر هم در آکادمی من و تو در انگلیس و.....

این بحر و بر را با این سؤال به پایان می بریم که چه کرده و چه می کنیم؟؟؟

خدا رحمت کند پدر رییس جمهور را که شب عید، دل اهل قلم را شاد و کامشان را شیرین می کرد. بی مقدمه، فاش، سخن می گویم ۴۰۰ هزار تومان پول رایج مملکت را به دست پرتلاش خبرنگاران می دهند و می گویند این هم عیدی فزون شما، پولت در کارت است، مال خودت برو و حالش را ببر.

من ماندم و عیال شیرین تر از جانم یار غارم مونس شب و روزم مادر ۵ فرزند دختر و پسر هر یک با قد بالاتر از ۱۷۰ سانتیمتر و وزن نزدیک به هشتاد کیلو در بیکاری پرکار و در خواب سرحلقه و در تب و تاب سرقطار، درس و مشق به قاعده خوانده و البته و صد البته در جمع بیکاران خوش رکاب نشسته و برای یافتن آن به هرکوی و برزن سرزده که برای اینان کار شده جن و آنها بسم الله. زین هم که بگذریم به چگونگی خرج این مبلغ عیدی رسیم. بفرمان بزرگ خاندان بار و بندیل بسته در جوار برادر خانم و مادر زن مهربان برای چند روزی مسافرت به طرف شمال برنامه بستیم و من زین کار چه بسیار خوشوند و خندان. از غروب چهارشنبه پیش از عید لنگی به دست با سطلی پر از کف و شامپو، شلنگ آبی به دست دگر و با حالی خوش و خرم بشور و بشور تا لکی در تمام وجود زنی وجود این اتول مش ممدلی خانی ما خسی و خشی نماند.

شب از نیمه نگذشته که ورقه صورت هزینه در برابر چشم گذارده شد، بخواندم بنزین ۷۰۰ تومان و گاز ۴۰ تومان. پس با گاز می رویم و با بنزین بر می گردیم. نه نشد، هزینه می زند بالا با پیش بینی حداقل ۵۰۰ کیلومتر رفت و برگشت و گاز ۴۰ تومان کم کم می شود ۲۰ هزار تومان. چای، قند، میوه و گوشت ۱۵۰ هزار تومان، ذغال لیمویی اعلاء ۲۵ هزار تومان، توتون دو سبب قلیان ۱۰ هزار تومان ناقابل، تعویض روغن ماشین با هواکش باصرف تعرفه های جدید خودرو سازان ۹۰ هزار تومان، خرید از نثار احمد افغانی ۴۰ هزار تومان که به پسته است البته نه از نوع دست دوم و حاصل همین چند قلم ۳۵۵ هزار تومان ناقابل، ته هدیه پیشکشی رییس جمهور می ماند ۴۵ تومان، که برای اهل حساب و کتاب خود یارانه خیلی زیاد یک ماه است. صبح روز پنج شنبه قرار این بود که جمع مسافران در نقطه ای میان راه کرج گچسره به هم ببینیم. در مسیر بودیم که خبر رسید راه چالوس پرترافیک است و باید از مسیر امام زاده هاشم رفت و من که نزدیک به چهار دهه است زین راه نرفته ام دیدن این مسیر هم فال بود و هم تماشا. ساعت هشت صبح از اتوبان بابایی به راه آبدلی رسیدیم از گردنه جاجرود گذشتیم تا امام زاده هاشم ۸ ساعت کشید و از امام زاده هاشم تا محمود آباد ۸ ساعت. این تن علیل در مسیری که ۱۶ ساعت «شما نخوانید ۱۶ سال» بطول انجامید قرار نداشتم و ندارم که سفرنامه بنویسم ولی آنچه دیدم همان جاده همان آسفالت همان تونل چهل سال پیش و مخلص کلام هیچ و هیچ اقدامی

بگذارید از گذشته‌ها تمثیلی بگویم، فردای سیزده بدر آنکه دل از زمین و کشت و داشت و برداشت‌کننده بودند از ولایت خود راهی سرکوره آجریزی‌ها در نعمت آباد و اسماعیل ابادوشمس آباد می‌شدند. یکی چون می‌کرد و اون دیگری گل در می‌آورد و آن دیگری قالب می‌زد و زنان هم خشت جمع می‌کردند و خاکستر الک می‌کردند و آخر سری آجر خشک شده به قبر می‌بردند و در جهنم کوره برای پخت می‌گذارند.

کارکوره پز خانه تمام روز آدم را می‌گرفت تا آنجا که فرصت دست و روی شستن نمی‌بود. وسط بهار بود که از ولایت اصغر مد جعفر آمد برای کار. شب که شد هم ولایتی‌ها زیر یک سقف توی منزل دور هم جمع شده و از اصغر حال وضع ده را می‌پرسیدند. یکی می‌پرسید: «ها اصغر به ده باران آمده؟ اصغر می‌گفت: باوا ای چوکه «بگو به قطره» دیگری می‌پرسید: اصغر جان سر درختی هست؟ اصغر می‌گفت: باوا ای کی «بگو به کی». یکی می‌پرسید: اصغر جان گوسفند کپه کرده؟ اصغر می‌گفت: باوا ای دانه «بگو به دونه» یکی از ولایتها که حسابی عصبانی شده بود و خون خونشو میخورد با صدای بلند معترضانه داد زد: اصغر قبرستان چی اونجا هم خبری نیست؟ و اصغر با خنده ای فراخ گفت: شکر خدا اون پر و پیمونه.

توی خیرهای اصغر یک خبر مثبت بود که آن هم در نوع خودش منفی بود قبرستان پر و پیمونه.

با اینکه با مشت در برابر توپ و تفنگ دزخیم پیروز شدیم و با اینکه طی جنگ تحمیلی با ایثار و تدبیر چشم جهانیان را گرد کردیم و پیروز و سربلند شدیم و اگر همه پوشش پوشالی دانش استعمار را از تن کنیم و از کالبد بی جان و بی رمق سر هم سازی و مونتاز بیرون شدیم، کنون که باید خود باشیم از خود پرسیده ایم که آیا هستیم؟ از جنگل شمال چیزی مانده اگر نیست کجا رفته این برج باروهای سر به فلک کشیده که در جای جای جنگل سابق نشسته جایگاه کبان و کداند؟ راستی از رزمندگان از مشت‌های گره کرده سربازان نگاهدار انقلاب چه خبر؟ یا سرسبزی نیست یا اگر هم هست در حصار و در بند یک تپه. آیا توی این دیار سابقا سر سبز هست کسی که آنان را یاد کند. در جمع قلیان کش‌ها، پاسوربازها و دل مشغولها جایی بر این تن خسته‌های از دوران خبری هست؟ خدا رحمت کند سهراب سپهری را که می‌سرود آب را گل نکنید در فرودست انگار کبوتری می‌خورد آب سبز، دست درویشی نان در آب می‌زند... بگذریم گذشت زنده باد بهار

ما را زین سفر خبری بود که بقول نویسنده و پژوهشگر محترم و همشهری عزیز جناب جلیل کرمی جنگل رایبانان کردیم دیگر به حال خود واگذاریمش. زین مقال برویم سراغ اقتصاد در ایران و جهان در سالی که گذشت به اختصار تا شود سخن سردبیر.

## اقتصاد جهان در یک نگاه

اقتصاد جهان در سال ۲۰۱۲ به علت وجود بحران بدهی در منطقه یورو، افزایش بیکاری و کسری بودجه کشورهای این حوزه با کاهش تقاضا مواجه بوده است و اتحادیه اروپا مجبور به اتخاذ سیاست‌های اقتصادی مالی انقباضی شده است. از دیگر راهکارهای اتخاذ شده، اعطای وام به کشورهای بحران زده به شرط کاهش کسری بودجه و اعمال انضباط مالی می‌باشد تا بتوانند از ورشکستگی رهایی یابند. کاهش بودجه موجب گردیده است تا کشورهای بحران زده منطقه اروپا با مشکلات سیاسی - اقتصادی بیشتری رو به رو شوند زیرا این سیاست در شرایطی اعمال گردید که اقتصاد این کشورها به علت وجود رکود، به اعمال سیاست‌های مالی انبساطی و حمایت از تولید و اشتغال نیاز مبرم داشته است. به طور کلی اقتصاد قاره سبز در سال ۲۰۱۲ با مشکلات جدی همچون افزایش بیکاری و کاهش تولید رو به رو گردید به نحوی که حتی با بهبود نسبی شرایط اقتصادی در فصل چهارم میلادی ۲۰۱۲، کماکان نرخ رشد اقتصادی برآورد شده برای این قاره در سال میلادی ۲۰۱۳ - ۰/۲ درصد می‌باشد.

بحران حوزه اروپا، سایر نقاط جهان را نیز تحت تأثیر قرار داد به نحوی که

ایالات متحده آمریکا برای کاهش بیکاری به اعمال سیاست‌های پولی انبساطی و مالی انقباضی موسوم به صخره مالیاتی با هدف افزایش اشتغال و تولید مجبور گردید. مکانیسم تزریق دلار و یا به عبارت بهتر کاهش ارزی دلار با تغییر قیمت‌های نسبی در سطح بین‌المللی باعث تغییر خالص صادرات کشور و افزایش تولید ناخالص داخلی گردیده است و برآوردهای انجام شده در مورد نرخ رشد ایالات متحده آمریکا حکایت از رشد حدود ۲ درصدی برای این کشور در سال میلادی ۲۰۱۳ دارد.

## اقتصاد ایران در یک نگاه

سال ۱۳۹۱ که از سوی رهبر معظم انقلاب اسلامی سال تولید ملی و حمایت از کار و سرمایه ایرانی نامیده شده است برای اقتصاد ایران مقارن با دومین سال از دوران اجرای برنامه پنجم توسعه کشور و از سال‌های پایانی دوره اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی و تحول سیاسی در نظام اقتصادی و اداری کشور بوده است.

از سوی دیگر در این سال برخی از مولفه‌های اقتصادی همچون نرخ ارز، نقدینگی، رشد اقتصادی و... دست‌خوش تغییرات شدیدی شدند. تغییرات مذکور به اندازه ای بود که می‌توان گفت فضای کسب و کار کشور به طور چشمگیری تغییر کرده است. طی سال ۱۳۹۱ نرخ غیر رسمی دلار کمتر از ۲۰ هزار ریال در ابتدای سال به بیش از ۳۵ هزار ریال در پایان آذر ماه ۱۳۹۱ رسید. از این رو تقاضای سفته با ارز افزایش یافت و به نظر می‌رسد در سال ۱۳۹۲ شرایط اقتصادی در وضعیت کاملاً متفاوت قرار گیرد.

یکی از مشکلات اقتصاد ایران در سال ۱۳۹۱ تورم بوده است. براساس آمارهای بانک مرکزی نرخ تورم سال ۱۳۹۰ معادل ۲۷/۵ درصد اعلام گردید و نرخ تورم سال ۱۳۹۱، طبق برآوردهای این بانک بالغ بر ۳۲ درصد پیش بینی می‌گردد تورم ایران در سال گذشته تحت تأثیر چند عامل از جمله اعمال تحریم‌های خصمانه علیه کشور و محدود کردن درآمدهای ارزی و نقل و انتقال آن بوده است که این امر از طریق افزایش قیمت ارز در کشور و محدود کردن درآمدهای ارزی و نقل و انتقال آن بوده است که این امر از طریق افزایش قیمت ارز در کشور نمود پیدا کرد و منجر به افزایش سطح عمومی قیمت‌ها گردید که در اصطلاح اقتصادی به این نوع نرخ تورم، تورم وارداتی اطلاق می‌گردد. عامل مهم و تأثیرگذار دیگر بر تورم، رشد نقدینگی می‌باشد که در پایان سال ۱۳۹۰ معادل ۱۸/۳ درصد و برای سال ۱۳۹۱ معادل ۱۷/۸ درصد پیش بینی شده است. افزایش رشد نقدینگی بیش از رشد تولید منجر به ایجاد تورم می‌گردد و هر چه اختلاف مذکور بیشتر باشد، تورم ایجاد شده بیشتر خواهد گردید.

در سال ۱۳۹۱ به علت افزایش قیمت مواد اولیه، افزایش قیمت حامل‌های انرژی، دستمزد و سایر عوامل تأثیرگذار، بهای تمام شده کالا و خدمات افزایش یافته است. این افزایش قیمت را می‌توان با استناد به نرخ تورم تولیدکننده مدنظر قرار داد که در سال ۱۳۹۰ معادل ۳۴/۲ درصد اعلام گردیده و برای سال ۱۳۹۱ معادل ۳۶/۳ درصد برآورد شده است.

نرخ رشد اقتصادی در سال ۱۳۹۰ معادل ۴ درصد اعلام گردیده است و پیش بینی‌های کارشناسان از رشد اقتصادی کمتر از ۴ درصدی برای سال ۱۳۹۱ حکایت دارد و تولید ناخالص داخلی به قیمت ثابت سال ۱۳۷۶ معادل ۵۷۲/۵ هزار میلیارد ریال می‌باشد. نرخ بیکاری پیش بینی شده نیز برای سال‌های مذکور به ترتیب معادل ۱۲/۳ و ۱۴/۱ درصد می‌باشند.

در انتها خاطر نشان می‌سازد گرچه تحریم‌ها در کوتاه مدت می‌تواند اقتصاد کشور را دچار اختلال کنند اما در بلند مدت به علت وجود تعدیلات در اقتصاد، مشکلات ایجاد شده به علت تحریم‌ها تأثیر کمتری بر اقتصاد خواهند داشت که این امر در پیش‌بینی‌های مربوط به رشد اقتصادی و بیکاری در سال ۱۳۹۲ که به ترتیب با افزایش و کاهش همراه می‌باشند، ملاحظه می‌گردد. افزایش نرخ رشد اقتصادی و کاهش نرخ بیکاری نوید بهبود اوضاع اقتصادی را در سال ۱۳۹۲ می‌دهند.